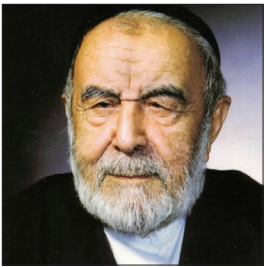


از آن همه دیروز / بازخوانی تاریخ

عارفی از جنس حق و حقیقت



محمداسماعیل خان احمد دولابی معروف به حاج اسماعیل دولابی (زاده ۱۲۸۲ – درگذشته ۹ بهمن ۱۳۸۱) عارف عرفی گرای شیعی بود. و در جلساتی که سال‌ها در تهران برگزار می‌کرد به بیان مفاهیم عرفانی به روش تخطاط دو سویه (با مخاطب) بازگو می‌کرد. وی در روستای دولاب از توابع تهران زاده شد. در جوانی به شغل کشاورزی اشتغال داشت و در عین حال به صورت آزاد به دانش‌آموزی در جلسات علمای دینی معاصر مانند آیت‌الله سید محمد شریف شیرازی، آیت‌الله شاه‌آبادی، آیت‌الله تقی بافقی، شیخ غلامعلی قمی و شیخ محمدجواد انصاری پرداخت. محمداسماعیل دولابی در محافل پیرامون خود نماینده درک متفاوت و فراگیری از دین با تکیه بر مفاهیم محبت و زیبایی بود و این بیان جدید باعث جذب جوانان و قشر تحصیل کرده در جلسات هفتگی و عطا او بود. مجموعه کتاب‌های طوبای محبت تا سال ۱۳۹۱، شش جلدند که فرزند او، محمد دولابی به همت انتشارات محبت دست به چاپ و توزیع‌شان زد. جلد یک این کتاب در زمان حیات دولابی به چاپ رسید. انتشارات محبت، چاپ آثار محمداسماعیل دولابی را بر عهده دارد. طوبای محبت تنها کتابی است که سخنان دولابی بدون هیچ تغییر و دخل و تصرفی در آن موجود است. دوستداران وی کتاب دیگری را با عنوان «طوبای کر بلا» با اقتباس از کتاب‌های طوبای محبت منتشر کرده‌اند. این کتاب، سخنان دولابی در مورد امام حسین (علیه السلام) و کر بلا است که از مجموعه کتاب‌های طوبای محبت جمع‌آوری شده است. وی در ۹ بهمن ۱۳۸۱ در حرم حضرت فاطمه معصومه (س) در قم به خاک سپرده شد.

خودزنی / محیط‌زیست

گزارشی از یک تفریح غیرانسانی

سوت‌مسابقه‌را که می‌زنند، شروع می‌شود، اولی می‌پردوی گردن دومی، صدای جمعیت بلندمی‌شود، دومی پنجمی می‌اندازد و جا خالی می‌دهد، جمعیت کزی می‌خواند، دوباره گلاویز می‌شوند، این بار اولی فرصت را شاکر می‌کند، پوزه حریف را به دندان می‌گیرد. آن‌ها که روی اولی شرط‌بندی کرده‌اند، صدای فریادشان بلندمی‌شود، دومی تاونش را از دست داده، خون جاری شده روی سینه و صورتش، اولی جان تازه گرفته، حالا بوی خون را شنیده، خیز برمی‌دارد برای گلو، داور سوت می‌زند، اولی را جدا می‌کنند، دومی نیمه‌جان شده است. اینها تصویری از جنگ سگ‌هاست که هر چند وقت یک‌بار به راه می‌افتند، جماعتی برای شرط‌بندی، عده‌ای برای تماشا، تعدادی به عنوان صاحبان سگ‌ها و گروهی به عنوان مجری مسابقه حضور دارند. مسابقه‌ای که اگرچه ضد انسانی، ضد محیط زیست، ضد شرع و اخلاق است اما به صورت رسمی برگزار می‌شود تا جایی که از همین حالا تاریخ نزدیک‌ترین مسابقه‌اش، مشخص شده است. هادی، فروشنده سگ‌های جنگجو در جنگجو در تهران می‌گوید: کار اصلی من فقط خرید و فروش سگ‌های جنگجو است. به طوری که ابتدا حیوانات جنگجو را جمع‌آوری و نگهداری می‌کنیم و پس از آن حیوانات را نسل‌کشی می‌کنیم بنابراین هم حیوانات جنگجوی توله و هم بالغ را در این مرکز می‌فروشیم. هر چقدر شما پول بدهی در همان رده قیمت، سگ به شما معرفی می‌کنیم و البته باید بدانید که قیمت سگ‌ها بر اساس سن، جنس، نژاد، سابقه جنگ و رده سنی آن محاسبه می‌شود. این فروشنده تهرانی تأکید می‌کند که برای دیدن جنگ سگ‌ها حضور خانم‌ها ممنوع است بنابراین برای دیدن مسابقه جنگنده بودن سگ‌ها برای مشتریان خانم فیلم‌ها و عکس تهیه شده که آن را قبل از خرید و برای تأیید صلاحیت سگ جنگجو به خریداران نشان می‌دهند. هادی به آخر این ماه اشاره می‌کند و می‌گوید به زودی در تاریخ ۳۰ بهمن ماه در کرچ جنگ سگ‌ها را در یک باغ برگزار می‌کنیم که می‌توانید برای تماشا حضور داشته باشید و سگ‌های جنگجو را از نزدیک ببینید. برای خرید هم وقتی به چهارراه ملارد رسیدید با من تماس بگیرید تا شما را برای بازدید به باغچه خودمان ببرم. دکتر جاوید آل داوود، رئیس انجمن حمایت از حیوانات در مورد برگزاری مسابقات جنگ سگ‌ها می‌گوید: امروزه تعدادی از افراد غیر عادی و بیمار و خشن دور هم جمع می‌شوند و بر سر سگ‌ها شرط‌بندی کرده و جنگ سگ‌ها را به راه می‌اندازند. برخی از اتفاقات پشت پرده و به صورت پنهان و مافیایی در مورد فروش و تجارت سگ‌ها رخ می‌دهد به طوری که تجارت‌های بزرگ و میلیاردری انجام می‌شود، افراد این مافیا کاملاً مشخص است و حتی قبل از برگزاری مسابقه سگ‌ها همه را دعوت می‌کنند و این نوع مسابقه‌ها در باغ‌های اطراف شهر با حضور تعدادی از نگهبان‌های مسلح و تومند برگزار می‌شود. وی در ادامه می‌گوید: چندی پیش شنیدم در یکی از جنگ‌ها که تعدادی از سگ‌ها زخمی شده بودند یک دامپزشک را به محل برده بودند و دامپزشک پس از رویت وضعیت سگ‌ها حال بدی پدید می‌کند و از ادامه کار انصراف می‌دهد، پس از خروج این دامپزشک از باغ، تعدادی از نگهبان‌ها با ماشین‌های شاسی بلند این دامپزشک را در جاده تحت تعقیب و بر خورد فیزیکی قرار دادند که مبادا در جاهای دیگری راجع به این موضوع صحبت کند. وی با ابراز تأسف از عدم وضع قوانین برای حمایت از حیوانات می‌گوید: متأسفانه در کشور ما قانونی برای حمایت از حیوانات وجود ندارد. حتی چندین بار هم که سعی کردیم قانونی را به مجلس ببریم محقق نشد، گویا این موضوع جزو اولویت‌های کشور نیست. (منبع: آنا)



یادداشت روز

خلیج فارس؛ ناقوس‌ها برای که به صدا در می‌آیند؟

متین مسلم اروپاوبوی مستقیم نظامی ایران و عربستان هرچند تصور غیرممکنی به نظر می‌رسد، اما در عین حال باید محتاط بود. محمد جواد ظریف وزیر خارجه خونسرد ایران و محمد بن سلمان وزیر دفاع جنجالی عربستان وقوع چنین احتمالی را قویا رد کرده‌اند. پس تا حد زیادی خیالمان راحت است، اگر عوامل حاشیه‌ای وضع‌را از این بدتر نکنند. هر چند ظاهر ادیلماسی کنترل شرایط را در دست دارد اما چشم‌انداز روشنی هم برای خاموش شدن موقت آتش تویخانه تبلیغاتی دو طرف دیده نمی‌شود. یک دیپلمات ارشد عمانی مقیم کویت می‌گوید «دولت متبوعش تلاش‌هایی را برای آرام کردن اوضاع آغاز کرده. هم ما و هم قطری‌ها به برادران سعودی گفته‌ایم شرایط را درک کنند». گسترش بحران خاور میانه از زبانی نهایت تحولات خلیج فارس را با مشکل جدی روبه‌رو کرده. این در حالی است که استراتژی امنیت منطقه‌ای ایالات متحده طی چند دهه گذشته همواره بر دور نگه داشتن خلیج فارس از دایره تحولات و ناپایداری‌های خاور میانه بوده است. استراتژی که با روی برگرداندن از رعایت حداقل معیارهای دموکراسی، فقط در یک بعد آن یعنی «اولویت امنیت

پناهندگان دردکشیدهٔ دنیا

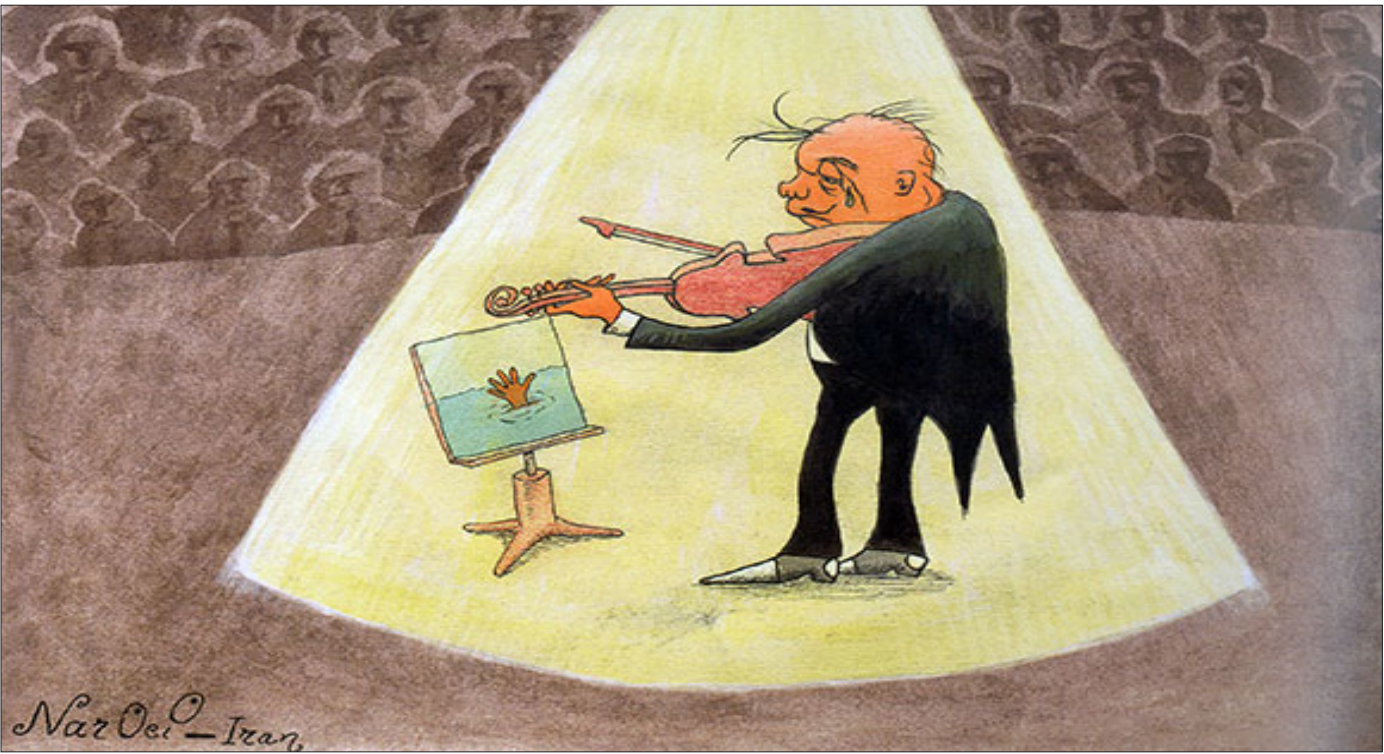
نگاهی به کتاب «شهر خاردار» نوشته «بن‌رالانس»

«بن‌رالانس» در کتاب «شهر خاردار» داستان غم‌انگیز پناهندگان سومالیایی را در تصویری بزرگ‌تر و به عنوان درد بخش اعظمی از مردم دنیا نمایانگر می‌شود. این کتاب تصویر غم‌انگیز خشونت، تنهایی، ترس، و احساس ناامیدی و بی‌توجهی است.

هنگام اولین بازدید «رالانس» از این کمپ، اهانت‌های الشباب و خشکسالی‌های متعدد سبب شده بود نیمی از جمعیت شش تا هشت میلیونی سوماتالی مهاجرت کنند. آن دسته افراد که تلاش می‌کردند از کشور خارج شوند از میان بیابان‌های داغ و جنگل‌های خطرناک رد شدند. بسیاری در راه مورد حمله راهزنان قرار می‌گرفتند و اموالشان دزدیده می‌شد و در نهایت راه خود به این کمپ را پیدا می‌کردند و یک گوشه و مقدار جیره غذایی به آنها داده می‌شد تا جان خود را از دست ندهند. در اطراف کمپ دشت بزرگی وجود دارد که دور تا دور آن را خارهای بزرگی کاشتند که محدوده این کمپ مشخص باشد. و این چنین بود که پناهندگان در یافتند جهنم خود را با جهنمی دیگر معاوضه کرده‌اند و قرار نیست رنگ آسایش به خود ببینند. خدمات این کمپ که به همت سازمان ملل و سازمان‌های غیردولتی فراهم می‌شود رایگان بود اما عملاً این کمپ غذا، آب، مدرسه، و امکانات پزشکی خاصی نداشت. پلیس فاسد و مجرمان نیز جو پر از ترس و وحشتی را در این منطقه ایجاد کرده بودند. فصل خشک با خود گرد و خاک و شن به همراه آورد و باران حشرات و بیماری‌های مختلف را به این منطقه سرازیر می‌کرد.

در سال ۲۰۱۲ اتفاقات بدتری رخ داد. دو پزشک بدون مرز را که داوطلب کار در این کمپ شده بودند دزدیدند. طی ۲۴ ساعت آژانس‌های امداد به این مناطق نیروهای خود را از این کمپ بیرون کشیدند. سپس دولت کنیا علیه «الشباب» اعلان جنگ کرد که یکی از موارد درگیری طولانی بین کنیا و سومالی بود. سازمان ملل بودجه خود برای کمک به این کمپ را به شدت

گردش روزگار برعکس است



گوش ترحمی کو کز ما نظر نبوشد / دست غریق یعنی فریاد بی صداییم…

طرح: خدایار نارویی

با کاروان حله / اخبار هنر

سالار عقلی در «من و تو» یا جشنواره فجر؟



پس از اعلام ممناعت از حضور سالار عقلی در جشنواره موسیقی فجر، داروش پیرنیاکان – دبیر و سخنگوی خانه موسیقی – از اعتراض این نهاد صنفی خبر داد. پیرنیاکان در باره اعلام ممنوعیت اجرای سالار عقلی در جشنواره موسیقی فجر دربی حضور او در یکی از شبکه‌های ماهواره‌ای، به سایت خانه موسیقی گفت: ما از جایگاه صنفی و هنری خانه موسیقی، موظفیم از حقوق همه هنرمندان و از منافع صنفی اعضا دفاع

کنیم، امروز شنیده‌ایم که به دبیر جشنواره موسیقی فجر اعلام کرده‌اند سالار عقلی به دلیل حضور در یکی از شبکه‌های ماهواره‌ای نباید در این جشنواره شرکت کند. او ادامه داد: اول باید این موضوع کاملاً بررسی و بعد این تصمیم گرفته شود. می‌توانستند وقتی آقای عقلی از سفر برگشت، با ایشان صحبت کنند و بعد در این باره تصمیم‌گیری شود؛ اما امروز بدون هیچ صحبتی با آقای عقلی حکمی صادر کرده‌اند منی بر اینکه در جشنواره شرکت نکند. این برای ما اصلاً قابل قبول نیست و جای تعجب دارد. همین‌طور که آقای عقلی در بسیاری از برنامه‌های موسیقی کشور، در تیتراژ سریال‌ها و… حضور داشته و در این راه بسیار زحمت کشیده است. پیرنیاکان اظهار کرد: به تازگی شنیده‌ایم که به دلیل وجود آهنگ‌های ایشان در یک سایت خارجی، برای‌شان محدودیت‌هایی به‌وجود آمد. وقتی این محدودیت‌ها برای کسی وجود دارد و در داخل نمی‌گذارند کارش را انجام دهد، این هنرمند مجبور می‌شود به رسانه‌های بیرون از ایران رو بیاورد. پیرنیاکان افزود: من به‌عنوان سخنگوی خانه موسیقی به لغو برنامه آقای عقلی در جشنواره فجر اعتراض دارم.

دل سیر شد از غصه گردون خوردن
وز دست ستم سبلی هر دون خوردن
تا چند چو نای هر نفس ناله زدن
تا کی چو پیاله دم به دم خون خوردن
(عبیدزاکانی، قرن هشتم، رباعیات)

سوت پایان

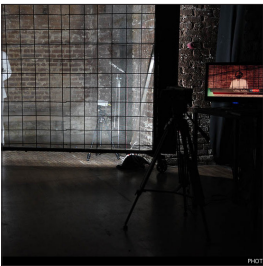


کاهش داد تا سرمایه بیشتری را به فاجعه سوریه اختصاص دهد. «داداب» – که نام این کمپ است – به مکانی برای انفجار بمب، حمله پلیس، و تجاوز قرار گرفت و هیچ‌کس مسئولیت انجام این اتفاقات را بر عهده نگرفت. ساکنان «داداب» یک کلمه اختراع کردند: «buffis» و منظورشان از این کلمه درد و رنج و انتظار

برای سکونت در بخشی از دنیا بود که آنها را آزار ندهند و بی‌اهمیت تلقی نکنند. فیس بوک و اینترنت این درد و رنج را افزایش داد چون به پناهندگان فرصت می‌داد از شرایط بقیه دنیا که در آرامش زندگی می‌کردند باخبر شوند و گاهی چنان دچار شرم بودند که محل زندگی خود را جایی دیگر می‌نوشتند تا خجالت‌زده نشوند. در گذشته کشورهایمانند کانادا، استرالیا، و ایالات‌متحده به انسان‌هایی که نمی‌توانستند به کشور خود بازگردند کمک می‌کردند اما در حال حاضر چنین نمی‌کنند و درد و رنج این افراد هرروز بیشتر می‌شود. کسانی که در «داداب» گیر کرده‌اند راه فرار ندارند. کتاب «رالانس» پایان مشخصی ندارد. ناگهان تمام می‌شود. وی می‌گوید بعضی از این خانواده‌ها تلاش کردند به کشور خود برگردند اما بعضی دیگر ترجیح دادند بمانند. درست مانند سرنوشت «داداب» داستان هیچ نتیجه‌ای ندارد. کتاب تصویر انسان‌های دردکشیده است. در دنیایی که در آن سیاستمداران هرروز در تلاش‌اند قانونی جدید برای مهاجرت ایجاد کنند و تیرت روزنامه‌ها پر از خبر افراد مهاجر به اروپاست باید دانست که امنیت این مهاجران از سخن فراتر نمی‌رود. آن‌ها به مکان بهتری مهاجرت نمی‌کنند و گاهی بین دیوار تنهایی، ترس، و بدبختی محصور می‌مانند و هیچ‌کس خواهان آسایش این گروه نیست و در قلب تاریخ نیز به فراموشی سپرده می‌شوند. «داداب» نمونه کامل این بحران است.



اعتراف «شاه ریچارد» در حمام قدیمی تهران



چهارمین روز از جشنواره تئاتر فجر با اجرای متفاوت نمایش «من شاه ریچارد بودم» به کارگردانی محمد عاقبتی همراه شد. نمایش «من شاه ریچارد بودم» با نگاهی آزاد به نمایشنامه «ریچارد دوم» ویلیام شکسپیر و به نویسندگی کیوان سررشته در تماشاخانه «دا» به صحنه رفت. این نمایش که دومین روز اجرای خود را پشت سر می‌گذاشت به دلیل محدود بودن فضای این تماشاخانه، تعداد کمی تماشاگر را در خود جای داد که البته به دلیل اصرار تماشاگران برای حضور، عده‌ای هم در کناره‌های سالن کوچک «دا» و نیز روی زمین به تماشای اثر شاه محمد عاقبتی نشستند. اجرای این اثر که با سالروز تولد نویسنده نمایش همراه شد، یک تک گویی است که از مولتی مدیا هم بهره می‌برد و در بخش‌هایی از نمایش، دادگاه شاه ریچارد و اعتراف‌اش از طریق یک لپ‌تاپ که به‌طور زنده تصاویری از یک شبکه خبری و نیز برخی اتفاقات چند اسلایر منطقه را نشان می‌داد، پخش می‌شد.

محمد عاقبتی که نمایش خود را به محمد چرمشیر پیشکش کرده است، به دلیل حال و هوای نمایش و موقعیت شاه ریچارد اصرار به اجرا در تماشاخانه "دا" که یک حمام قدیمی بوده، داشته است و البته با این تصمیم فقط فرصت تماشای این اثر از تماشاگران بیشتری گرفته شد.

نمایش «من شاه ریچارد بودم» که کاری از گروه تئاتر ما است، در بخش مهمان جشنواره و به‌علاوه تئاتر فجر حضور دارد.

ایالات متحده و متحدان اروپایی تا آنجا که به تأمین نفت و گاز مر بوط می‌شود خلیج فارس دیگر از یک موقعیت منحصر به فرد مانند گذشته برخوردار نیست. از سوی دیگر با نگاه عربی تا آنجا که به تأمین امنیت مر بوط می‌شود امروز ایالات متحده تنها تأمین‌کننده آن تلقی نمی‌شود. به همین دلیل فکر می‌کنم تغییر در توازن نگاه و تطبیق تصویر دو کانون بصری و تصویری ثبات و آرامش خلیج فارس (امنیت و انرژی) به آرامی اما ممتد در حال ایجاد تحول متفاوت در جغرافیای سیاسی خاور میانه عربی، به خصوص خلیج فارس است. مهم‌ترین تبعات این تغییر یکی تلاش حکومت‌های عرب برای ایفای نقشی مستقل‌تر در تحولات منطقه است که تا حدودی موفق شده‌اند. دوم استقبال از حضور دیگر قدرت‌های جهانی در کنار میل خود این قدرت‌ها به ایفای نقشی فعال‌تر و موثرتر در خلیج فارس است. البته این میل تنها به خواست اعراب منطقه محدود نشده. آنگاه که مشاهد می‌کنیم حتی تهران نیز عملاً از حضور دیگر قدرت‌ها مانند روسیه و چین استقبال کرده است.